

گفت و گو با بهمن آرمان، اقتصاددان طاعون مدیران چندشغله



طرح نو | ماندانا فتحی جو | ناهماهنگی در تأمین دخل و خرج و بالا رفتن هزینه‌های زندگی باعث شده است، تا معاش مردم روز به روز با سختی بیشتری مواجه شود. اکنون آمار چند شغله‌ها و افرادی که با شغل‌های کاذب به کسب درآمد می‌پردازند، به ۷ میلیون نفر رسیده است. اما پیش از هفتمیلیون نفر آمده کار، هیچ شغلی نداشته و در آمد مالی برای تأمین هزینه‌های اولیه زندگی را هم نمی‌توانند تأمین کنند. در شرایط کنونی یکی از مهم‌ترین مسائل مطرح شده در بازار کار کشور وجود میلیون‌ها دو شغله و حتی چند شغله‌هایی است که بر برخی از آنها علاوه دلیل تأمین نیاز مالی در آن شغل‌ها نمانده‌اند، بلکه به دلیل نزدیک ماندن به منشا قدرت و حفظ نفوذ خود، همچنان بر جایگاه‌های متعدد مدیریتی تکیه زده‌اند. اغلب کارشناسان بازار کار معتقدند، دو شغله بودن افراد راهی است که آنها برای تأمین نیازهای مالی و جبران کسری منابع مورد نیاز خود طی می‌کنند و اغلب افراد با منظور اتلاف وقت به سراغ شغل دوم نمی‌روند. اما در شرایط فعلی اقتصادی، تغییر نگاه به تأمین درآمدهای مالی باعث شده است تا برای رفع حتی پایین‌ترین نیازهای اولیه زندگی، یک شغل کفاف تأمین هزینه‌های خانواده را ندهد و به ناچار سرپرست خانواده به سراغ شغل‌های دیگری برود. در خصوص مغل چندشغله‌ها و تبعات آن در اجتماع، به سراغ بهمن آرمان اقتصاددان رفته‌ایم تا ایشان با نظرات کارشناسانه شرایط را برای ما واکاوی کنند. محصل این گفت و گو را در ادامه می‌خوانید.

• شغل چیست و به چه کسانی چندشغله گفته می‌شود؟
در جامعه امروزی به کسب درآمد از طریق کارهای معمول که متداول است و برای تأمین معاش انتخاب می‌شوند، شغل گفته می‌شود و افرادی که چندین کار را همزمان برای کسب درآمد بیشتر برمی‌گزینند، از آنان به عنوان چند شغله‌ها نام برده می‌شود. اما اکنون در شرایط فعلی، انتخاب شغل با توجه به رشته‌های تحصیلی افراد در ایران انتخاب نمی‌شود. بلکه با توجه به نیاز بازار افراد ناخواسته مجبور می‌شوند در شغلی غیر از رشته تحصیلی خود مشغول به فعالیت شوند. همچنین شغل‌هایی که درآمد بیشتری را برای افراد به همراه داشته باشد مورد توجه قرار می‌گیرند و مسلمانان تقاضاهای بیشتری برای کسب آنها وجود دارد.

• علت اصلی چند شغله شدن افراد چیست؟
موضوع چندشغله شدن افراد به اقتصاد و شیوه اداره کردن کشور بازمی‌گردد. در طول سال‌های گذشته، به دلیل کاهش شدید سرمایه‌گذاری در ایران، با افت تولید و سرمایه‌گذاری در بخش‌های مهم اقتصادی روبه‌رو شدیم و آن هم به رکود اقتصادی منتهی شد. همچنین بسیاری از سرمایه‌گذاری‌هایی که قرار بود برای رونق اقتصاد و حرکت چرخ‌های تولیدی کشور در بخش دولتی و خصوصی صورت پذیرد،

به دلیل نابسامانی در ساختارهای تشکیلاتی اقتصادی، امنیت سرمایه‌گذاری و تنش‌هایی که در روابط خارجی کشور به وجود آمده است، صورت گرفت و بر تعداد بیکاران و افرادی که نیاز به کار داشتند، افزوده شد. این در حالی است که مردم روزانه با مشکلات متعدد اقتصادی دست به گریبان هستند. اگر بخواهیم آمار رسمی بیکاری را بیان کنیم بین ۱۰ تا ۱۵ درصد واجدین شرایط کار را شامل می‌شود. حال آن که اگر آمار مشاغل کاذب و ساختگی را با این خواهد بود. به همین دلیل با بالا رفتن هزینه‌های زندگی و کاهش درآمدها، به ناچار افراد باید در چند شغل فعالیت کنند، تا شاید بتوانند هزینه‌های زندگی خود را پوشش دهند.

• یکی از مهم‌ترین دلایلی که از سوی کارشناسان برای دوشغله شدن افراد عنوان می‌شود، ناتوانی خانواده‌ها در تنظیم هزینه‌ها و درآمد ماهیانه است، تا جایی که افراد تنها با انجام یک شغل نمی‌توانند نیازهای مالی خود و خانواده را برآورده کنند؛ بنابراین ناچار دوم و حتی سوم برون، به نظر شما علت اصلی این اتفاق چیست؟

در چندسسال اخیر به خصوص، در دولت قبلی، با سیاست‌گذاری‌های بسیار غلط در بخش مدیریت اجرایی کشور، منابع درآمدی خانواده‌ها به شدت کاهش یافت. به‌طوری‌که بسیاری از خانواده‌ها درآمد پایدار نداشته و مجبور به کسب درآمد از محل شغل‌های متعدد شدند. در حال حاضر هرم جمعیتی کشور به گونه‌ای رقم خورده است که جوانان دهه ۶۰ باید وارد بازار کار شده و دهه هفتادی‌ها هم باید شغلی برای آنها تعریف شده باشد. این بدین معناست که چرخ شغل و کسب و کار در کشور همچنان لنگ می‌زند و تاکنون سیاست‌گذاری‌های مهمی برای تغییر این سیستم از سوی دولت‌مردان در نظر گرفته نشده است، تا شرایط به حالت طبیعی بازگردد و هر روز بر تعداد بیکاران کشور افزوده نشود و توازن درآمد و هزینه‌های خانواده‌ها معقول شود.

• با این تفاسیر نقش افراد برای افزایش راندمان کاری جهت توسعه اقتصادی و اجتماعی چه خواهد شد؟
در حال حاضر جامعه ما روز به روز فقیرتر می‌شود و عملاً دیگر طبقه متوسط به معنای واقعی نداریم و جامعه به دو بخش غنی و فقیر تقسیم شده است. در یک خانواده جوان هم زن و هم مرد باید دو یا چند شغل داشته باشند تا بتوانند هزینه‌های جاری زندگی خود را تأمین کنند. دیگر برای آنها امکان سفر و تفریح فراهم نمی‌شود، چگونه می‌توان از آنها توقع داشت تا به بهبود روحیه و روابط اجتماعی خود فکر کنند؟ آنها باید بدون تا تنها نان بخور و نمیری در آورند. چنین شرایطی نمی‌توان توقع داشت تا راندمان کاری افراد بالا باشد و جای تعجب و شگفتی است، چگونه مردم ما بر دریایی از ثروت فرار گرفته‌اند، اما روز به روز فقیرتر می‌شوند و این تنها به دلیل سوءمدیریت و ناکارآمدی برنامه‌های تعریف شده در طول سالیان متمادی است که ما را به سمت نابودی سوق داده است. حال اگر فردی دو یا حتی چند شغل برای کسب درآمد داشته باشد، باید به آن به عنوان یک برگ برنده نگاه کرد. چگونه می‌توان، توان محدود آدمی را همزمان و با فکر متمرکز در چند بعد صرف کرد تا مسیر درست کاری طی شود. مسلمانا به این باور می‌رسیم که از این جا مانده و از آن جا رانده خواهیم بود و هیچ‌گاه کاری به درستی انجام نخواهد شد.

• موضوع چندشغله شدن افراد به اقتصاد و شیوه اداره کردن کشور بازمی‌گردد. در طول سال‌های گذشته، به دلیل کاهش شدید سرمایه‌گذاری در ایران، با افت تولید و سرمایه‌گذاری در بخش‌های مهم اقتصادی روبه‌رو شدیم و آن هم به رکود اقتصادی منتهی شد

تغییر از ارتباطات اجتماعی و کاهش ظرفیت مردم در برخورد با دیگران در این چندسال اخیر به شدت افزایش یافته است، از آن جمله باید به بی‌حوصلگی‌ها و رشد نزاع‌های خیابانی اشاره کرد، چگونه می‌توان از این وضع بیرون آمد؟
من به عنوان یک اقتصاددان نمی‌توانم در جایگاه یک صاحبنظر اجتماعی به بررسی این علت از بعد اجتماعی بپردازم. اما به خوبی می‌دانم چه از نظر بعد معنوی و چه مادی، زندگی مردم بسیار سخت شده است و مردم خسته و فرسوده

نمی‌توانند، روابط سالم اجتماعی داشته باشند. در کشورهای اروپایی کارفرمایان برای تجدید قوای پرسنل خود به اجبار به آنها مرخصی‌های مسافرتی می‌دهند تا با روحیه مناسب برای بالابردن بهره‌وری کار باز گردند، چراکه سود آن بسیار بیشتر خواهد بود. اما در شرایط فعلی به دلیل کمبود درآمد افراد به ناچار در ساعت‌های متمادی بدون بهره‌وری مناسب و با خستگی مفرط کارهای متعددی را انجام می‌دهند. اما باز به درآمد مناسب دست نمی‌یابند و با تحمیل سیاست‌های غلط اقتصادی به خانواده‌ها هر روز بر تعداد خانواده‌های از هم پاشیده در اجتماع اضافه می‌شود.

• مغل چندشغله‌ها در میان مدیران ارشد بسیار متداول شده است، به نظر شما ریشه‌های این بحران چیست و راه‌های برون رفت از آن کدام است؟
مسلمانا در ساختار معیوب سیاست‌گذاری‌های ما در بخش کلان، شاهد مغضلات مختلفی بوده و هستیم. این مسأله را که مدیران ارشد دارای چندین شغل و پست‌های مهم مدیریتی هستند و جایگاه‌های مهم را برای خود و اطرافیان‌شان نگه می‌دارند باید به بعد سیاسی آن بیشتر توجه کرد. چرا که این افراد باید برای حفظ موقعیت خود رسیدن به مطلق خود حلقه‌های قدرت و نفوذ را میان خود و طرفداران‌شان تقسیم می‌کنند و اجازه ورود به دیگران را نمی‌دهند. زیرا می‌دانند که این موقعیت‌ها است که می‌توان همچنان به مقاصد سیاسی و اقتصادی خود دست یافت. برای این که موضوع کاملاً روشن شود به مدیر یکی از بزرگترین ننگ‌های اقتصادی کشور اشاره می‌کنم که وی علاوه بر آن که عضو هیات‌مدیره چندین شرکت مختلف و انجمن تولیدکنندگان کشور است، به تازگی عضویت هیأت علمی یک دانشگاه معتبر نیز به ایشان داده شده است. وی علاوه بر پست‌های متعدد اقتصادی به عنوان استاد هم در سر کلاس حاضر شده و سعی دارد به آموزش جوانان این شرکت بپردازد. این پرش به ذهن من متبادر می‌شود که چگونه می‌توان با وجود این همه شغل و مشغله کاری و مدیریتی، به امر بسیار مهم تعلیم هم پرداخت؟ زیرا این مرتبه علمی باید شرایطی را داشته باشد تا فرد بتواند به آرایه علم و دانش به عنوان جایگاه مقدس تعلیم و تعلم به خوبی بپردازد. اما به دلیل دارا بودن مرتبه بالای مدیریتی ایشان حایز شرایط ساخته شده است. چندشغله بودن در میان مدیران ارشد به طاعونی بدل گشته که به جان پست‌های مدیریتی افتاده است. باند‌های قدرتی که برای حفظ خود پست‌های مدیریتی را به موروثاتی برای خود و اطرافیان‌شان تبدیل ساخته‌اند.

• و در پایان...
زمانی که یک جامعه به سوی چندین شغلی پیش می‌رود؛ باید به بررسی زیرساخت‌های معیوبی پرداخت که از قبل به درستی تعریف می‌شدند، اما به خوبی این عمل صورت نگرفته است و نیاز به بازبینی جدی و سریع دارند تا به سمت بازگشایی گره‌های کور اقتصادی مردم حرکتی سازنده صورت پذیرد. این بازبینی باید تمامی بخش‌های اقتصادی و حتی سیاسی کشور را شامل شود، تا یک بار راه سیاسی محکم و برنامه‌ریزی دقیق از این بحران خارج شویم.

ادامه از صفحه ۹

چند شغله‌ها موجودات غریبی نیستند

اما حرف کسانی که چند شغل دارند چیست؟ آیا تنها درآمد کم است که آنها را وادار می‌کند وقتی را که می‌توانند صرف رشد خود کنند در محیط‌های کاری که اغلب به دلخواهشان هم نیست بگذرانند؟
جوانی ۲۵ ساله که به صورت حق‌التدریسی در مدارس درس می‌دهد در پاسخ به این سوال می‌گوید: «بیشتر امنیت شغلی برام مهم است.» او که به‌طور پاره‌وقت در شرکتی کار می‌کند، انگیزه‌اش را برای کار دوم، بیمه می‌داند: «معلم‌های قراردادی را بیمه نمی‌کنند و من هم مجبورم برای این که در آینده نگرانی نداشته باشم، و قتم را صرف این کار کنم.» وقتی از او می‌پرسیم که اگر شرایط کارش مناسب بود و امنیت شغلی داشت، دوست داشت به جای شغل دوم چه کار کند، می‌گوید: «ترجیح می‌دادم ادامه تحصیل دهم و وقت بیشتری را به مطالعه بگذرانم.»

روز و شب‌شان با کار می‌گذرد اما همچنان احساس مفید بودن و ارزشمندی نمی‌کنند. این نظر دختری است که کارمند اداره استاندارد است و بعدازظهرهایش را به تدریس زبان در یک آموزشگاه مشغول است. او درباره دلیل دو شغله بودن خود می‌گوید: «فقط مسأله اقتصادی منجر به این وضع می‌شود.» او درباره نقش این پدیده در این که احساس ارزشمندی و مفید بودن نداشته باشد، می‌گوید: «کمبود کار در بازار کار و کمبود امکان انتخاب در رابطه با کار مورد علاقه باعث می‌شود این احساس را داشته باشم. افراد نمی‌توانند با علائق و تحصیلات و مهارتی که دارند، کار انتخاب کنند و به کار مورد علاقه خود بپردازند و هر پیشنهادی که به آنها می‌شود به ناچار می‌پذیرند. زمانی هم که وارد آن کار می‌شوند، به خاطر ترس از دست دادن همان کار دیگر دلیلی برای جدایی از آن نمی‌بینند. موضوع دیگر هم بحث مدیران ما است، نظراً به همین که در رفتار اغلب این رفتار را از مدیرانمان یاد می‌کنیم»

دوشغله بودن آن قدر عادی شده که گاه بسیاری از آدم‌ها در مکالمات روزمره منتظرند تا از شغل دوم‌شان بگوئیم و گاهی از این که با یک کار هزینه زندگی را تأمین می‌کنیم، تعجب می‌کنند. کم‌نیستند کارمندان، مهندسان و خیلی از مشاغل دیگر که بعد از اتمام ساعات کاری شغل اول به مسافرتی با خود در شغل دومشان اشتغال دارند. در این بین البته هستند کسانی که شغل دومشان ساعت کاری شغل اول به مسافرتی با خود در شغل دومشان اشتغال دارند. در این بین البته هستند کسانی که شغل دومشان ساعت کاری ندارد

از یک مهندس عمران که بارتبه دو رقمی وارد دانشگاه خواجه‌نصیر شده و چندسالی استخدام قرار دادی کی خودروسازی بود ولی به دلیل حقوق و مزایای ناچیز استعفا داد و همراه با چند دوست هم‌رشته‌اش دفتر مهندسی مشاور راه انداختند. خودش تعریف می‌کرد که چندماه یکبار یک پروژه خوب قرار داد می‌بندند که اغلب در اسانتهای دو هفته‌ای است و بعد از اتمام کار باید ماه‌ها دنبال حق و حقوقمان از کارفرما باشیم. یکی، دوسال پیش برایش را فروخت و سمدن تاکسی گرفت؛ خودش هیچ‌وقت مستقیم ابراز نکرد که با خودرو هم کار می‌کند ولی مشخص است تاکسی خریدن روزها و ماه‌هایی که بیکار است، مسافر کشی کند و خرج همسر و دو فرزند کوچکش را در آورد.

با این حال دو شغله بودن اگر چه در آمد افراد را حتی تا دو برابر افزایش می‌دهد، ولی معایب جدی و در مواردی جبران‌ناپذیر به همراه دارد، مردی که پس از چندین ساعت حضور در اداره و چند ساعت خیابانگردی در پی مسافران شهری، خسته، بی‌حوصله و اغلب عصبی به خانه برمی‌گردد، نه دیگر اعصاب سسرو و کله زدن با بچه‌هایش را دارد و نه حرف‌های معمولی محبت‌آمیز با همسرش. یا آن طور که برخی دیگر از شهروندان می‌گویند، دیگر فرصتی باقی نمی‌ماند تا از حال و روز همسایه‌هایمان باخبر باشیم و چیزی به اسم همزیستی با همشهریانمان دیگر وجود ندارد.

